

ارمان

دکتر پرتو

شماره ۲ - دی ماه ۱۳۰۹

ادبی، تاریخی و اجتماعی

قوای اخلاقی

تاریخ هرملتی دارای قوایی است که کم و بیش آنها بزرگ و کوچک یا بلندویست مینماید. این قوا نتیجه رنج بزرگان، روحیات، ذیل تمدن، مشی سیاسی، عادات و حالات مختلف اجتماعی آن ملت است که مهمترین و بزرگترین آنها، قوای معنوی، قوای حقیقی پایه و نگاهبان سرنوشت و سعادت هرملتی میباشند که موضوع صحبت ماست.

قوای معنوی در زندگانی ملل دل‌های بزرگ و مهمی بازی میکنند. هر قدر این‌ها بزرگتر، وسیع‌تر و کامل‌تر باشند، کوشش و استقامت، حدیث و فداکاری، فعالیت و پیشرفت و وجود ملکات فاضله دیگر قوی‌تر و فراوان‌تر است. استعداد، قریحه، ذوق، لیاقت و غیره نیز در افراد یک ملت به نسبت قوای معنوی‌شان شدیدتر و طبیعی‌تر است.

غالباً میتوان قوای معنوی را به اعتقادات مذهبی، سیاسی و یا اجتماعی تعبیر نمود. این‌ها در حقیقت، خلاصه فکر، فراست، زیرکی و فعالیت معنوی و مادی است که تبدیل به یکنوع احساسات ملی می‌گردد و از این‌جا ملل، بر حسب عمل، کردار و پایه عقایدشان تمدن‌هایشان را وسعت داده و یا نابود کرده‌اند.

ترقی مادی يك تمدن همیشه با تکامل اخلاقی نا متساوی است اما عموماً قوای معنوی اساس و روح قوای مادی می باشند . مشاهده میکنیم که هر قدر تمدن جدید در ایران وسیع میشود ، مادی تر ، وحشی تر و نا اخلاقی تر است . با این تمدن یکعده اخلاق خوب از میان رفته و بتدریج زشتی ، پلیدی و صفات پست دیگری در نژاد معاصر رخنه یافته و جایگزین ملکات فاضله میگردد . در تمدن های تازه همیشه عادات و اخلاق قدیمی پست بنظر آمده و نابود میشوند و احتیاج تجمل یا لااقل شبیه بان اغلب مسری تر از لزوم رواج ، وسعت یافته و در تلو آن يك دسته عادات ناپسند بی رحمانه به اجتماع حمله می نمایند باید دانست که ایران کنونی آیا دارای قوای اخلاقی می باشد که آن را از یرتگاه مهیب انحطاط نگاه داشته و ایا اگر فاقد بعضی از قوه ها بوده و در برخی نقص ، ضعف و یا سستی موجود است ، چطور میتوان دسته اولی را ایجاد و سپس باقی را کامل ، قوی و استوار نمود ؟ ایرانی های قدیم دارای صفات پسندیده و نیکوئی بوده اند که همه جا مشهور ، ضرب المثلی و یونانی ها بزرگترین دشمن ایران بانها با نظر احترام ، بزرگواری و فوق العاده ای می نگریسته اند . راستی ، درستی ، پاکی ، شجاعت و جنگ با هر بدی در زندگانی برجسته ترین فروزه های آنها بوده است . جنگ یکی از بزرگترین مثال و نشانه قدرت قوای معنوی است ، و پیری اسلامی ها که جسارت ، دلاوری ، خشونت تربیت ، روح بلند و رادی پهلوانی داشتند قوای معنویشان را به نبرد و جنگ تبدیل نموده و همواره میخواستند بر دیگران حکومت و فرمانروائی کنند .

در دوره‌های بعد از اسلام، روح ایرانی در هر بخش فترت و ضعفی، تجلیاتی برور داده که استقلال و افتخاراتمان را نگاهداشته است. این به تحقیق، نتیجه غرور ملی، احساسات وطنی و فروزه‌های خاص و ذاتی ایرانی است که روح باقوای معنوی ما را تشکیل داده و توانسته است پس از بارها ناتوانی و شکست و آمیخته‌گی با خارجی‌ها، باز زبان و مذهبی از آن خودمان بر ایمان نگاه بدارد.

اما اکنون، با تمدن نو توده با تغییرات زیادی پیش میرود. فردا مثل قربانی‌های اخلاقی امروز، قربانی‌های مهیب‌تری خواهیم داشت. عدم اطمینان، تملق، دروغ، هرزه‌گری و يك‌عده صفات زشت دیگر عادی شده و مثل ملتی است که رو بزوال میرود. باید سعی کرد اگر جزئی اخلاق نیکوئی هم که باقی مانده است با این تمدن پامال نشود. تربیت‌های خانوادگی از همه بیشتر باید مورد دقت و مطالعه واقع شده اساس و روش متینی اتخاذ گردد. پدران خانواده، آنهائیکه مخصوصا دارای دخترانی هستند بیشتر از دیگران بایستی علاقه‌مند باشند. اخلاق و صفات نیکو، احساسات و غرور ملی باید در صدر تربیت نو منظور و سپس تغییر طرز تعلیم و تربیت و انتشار کتابهای خوب، چیزها که خیلی‌بدان احتیاج داریم نخستین دستور و کار نویسندگان و علاقه‌مندان با اصلاحات اجتماعی باشد.

قوای معنوی يك نوع قشون مسلح و آراسته حاضر جنگ پنهانی است که هیچ قوه‌ای آن را از بین نمی‌تواند به‌برد. تهیه این قشون وظیفه دانشمندان، متفکرین و مردان بزرگ اخلاقی و جدی يك ملت است که اگر اقدام نکنند بزرگترین جنایت و خیانت را بوطن خودشان نموده‌اند!